

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان / سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۵ / صفحات ۶۷-۴۱

ناکارآمدی سیاست‌ها و تأثیر آن بر عدم توسعه‌یافتگی صنایع کوچک و متوسط کشور

ابوالقاسم مهدوی^۱، حمید عزیزمحمدلو^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۳

چکیده

باوجود اینکه امروزه صنایع کوچک و متوسط یکی از ارکان اصلی اقتصاد کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه محسوب می‌شود و نقش به‌سزایی را در رشد اقتصادی، اشتغال و صادرات این کشورها ایفا می‌نماید، متأسفانه جایگاه این صنایع در کشور ایران از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. به‌طور قطع یکی از عواملی که زمینه این ضعف را فراهم نموده است، ناکارآمدی سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که برای حمایت و توسعه این صنایع طراحی شده است. در این پژوهش با نظر سنجی از خبرگان و صاحب‌نظران حوزه صنایع کوچک و متوسط و با استفاده از مدل یابی معادلات ساختاری تأثیر ناکارآمدی سیاست‌ها بر عدم توسعه‌یافتگی صنایع کوچک و متوسط کشور مورد بررسی و آزمون قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های تحقیق، با عنایت به اینکه بین کارکرد و کیفیت سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط از یک طرف و شاخص‌های قابلیت‌ی و عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط نیز رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، استنباط می‌شود که کیفیت و کارکرد نامناسب و به‌عبارت دیگر کارآمدی پایین سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط از دلایل اصلی ضعف شاخص‌های قابلیت‌ی و کارکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط است.

طبقه‌بندی JEL: O25، L52.

واژگان کلیدی: ناکارآمدی سیاست‌ها، شاخص قابلیت‌ی، شاخص عملکردی، توسعه صنایع کوچک و متوسط، روش حداقل مربعات جزئی.

Email: mahdavi@ut.ac.ir

۱. دانشیار اقتصاد دانشگاه تهران، تهران

۲. استادیار اقتصاد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین

Email: azizmohammadlou@soc.ikiu.ac.ir

صحت مطالب مقاله بر عهده نویسنده است و مقاله بیانگر دیدگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام نیست*

مقدمه

در سال‌های اخیر، اهمیت و نقش صنایع کوچک و متوسط در کشورهای صنعتی و همچنین در حال توسعه رو به افزایش بوده است. پیشرفت‌های سریع کشورهای در حال توسعه نظیر کره جنوبی، تایوان، مالزی، هندوستان، ترکیه، اندونزی و کشورهای صنعتی نظیر آلمان، ژاپن و آمریکا شاهدی بر این مدعاست که صنایع کوچک به عنوان پایه‌های اساسی رشد و توسعه و دستیابی به صنایع مدرن بوده‌اند. به طوری که طبق مطالعات سازمان جهانی کار، حدود ۷۰ درصد از نوآوری و اختراعات توسط کارآفرینانی به وجود آمده که در واحدهای کوچک مشغول به کار بوده‌اند. (سپهر دوست و کامران، ۱۳۹۲).

نگاهی به نظام اقتصادی-اجتماعی در بسیاری از کشورهای پیشرفته و نو توسعه‌یافته‌ی جهان نشان می‌دهد که ایجاد و حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط یکی از اولویت‌های اساسی در برنامه‌های توسعه اقتصادی این کشورها است. این بنگاه‌های اقتصادی علی‌رغم آنکه به سرمایه‌گذاری کمتری نیاز دارند، بازدهی بیشتری داشته و در ایجاد اشتغال، ایجاد بستر مناسب برای نوآوری و اختراعات و افزایش صادرات این کشورها، نقش مهمی دارند. در بسیاری از کشورها این بنگاه‌ها، تأمین‌کنندگان اصلی اشتغال جدید، مهد تحول و نوآوری و پیشرو در ابداع فناوری‌های جدید بوده‌اند. از سوی دیگر این صنایع به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود می‌تواند از جاذبه‌های فراوانی برای بخش خصوصی برخوردار باشد، که این امر بسته به شرایط داخلی اقتصادی کشورها قوانین و سیاست‌های حمایتی در کشورهای مختلف به‌عنوان الگویی موفق برای توانمندسازی علمی و صنعتی معرفی شده است (علیرضایی و تولایی، ۱۳۸۷).

از طرف دیگر، با توجه به تغییرات محتوایی و کیفی بسیار زیادی که از چند دهه اخیر در بازارهای جهانی رخ داده و حرکت به سوی جهانی‌شدن بازارها شروع و به موازات آن دوره تولیدمحوری در انتهای حیات خود و مشتری محوریت در حال نضج گرفتن است، تولیدکنندگان صنعتی با هدف استفاده بهینه از امکانات و جلوگیری از هدر رفتن منابع با ارزش به تمهیداتی متوسل شده‌اند که نتیجه آن تغییر ساختار صنعتی است. از مشخصات اصلی این تغییر ساختار، ترویج بیش از پیش صنایع کوچک است. در چنین فضایی روند توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته است. این بنگاه‌ها دارای مزایای زیادی نسبت به صنایع بزرگ هستند که از آن جمله می‌توان از ارزش افزوده، نوآوری، اشتغال‌آفرینی و انعطاف‌پذیری بیشتر نسبت به صنایع بزرگ نام برد. بنابراین لزوم توجه به این بخش از اقتصاد ضروری است (ناطق، محترم قلاتی، ۱۳۸۶).

باوجود روند روبه رشد صنایع کوچک و متوسط در اغلب کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، اما در کشور ما به گواه آمار و اطلاعات منتشرشده توسط مرکز آمار ایران و وزارت صنعت، معدن و تجارت، علیرغم اینکه صنایع کوچک و متوسط از نظر تعداد بالغ بر ۹۵ درصد از صنایع را تشکیل می‌دهند، سهم ناچیزی در ایجاد ارزش افزوده بخش صنعت داشته و توان رقابت‌پذیری آن‌ها روزبه‌روز در حال کاهش است. این امر به‌نوعی حاکی از خلاف روندی است که در اغلب کشورهای توسعه‌یافته در ارتباط با روند رو به رشد صنایع کوچک و متوسط



محقق شده است. به‌طور بدیهی عوامل متعددی در تشدید چنین امری دخیل است. یکی از مهم‌ترین این عوامل، ضعف و عدم جامعیت سیاست‌هایی است که به منظور حمایت از این صنایع طراحی و به اجرا درآمده‌اند. در این مطالعه سعی بر آن است تا کیفیت و جامعیت سیاست‌های طراحی شده در کشور در حوزه توسعه صنایع کوچک و متوسط مورد بررسی قرار گرفته و نقش آن در میزان توسعه‌یافتگی این صنایع تحلیل گردد. بدین منظور در ادامه ضمن مروری بر پیشینه نظری و تجربی پژوهش، روش پژوهش معرفی شده است. به دنبال آن در بخش یافته‌ها سیاست‌های طراحی شده در حوزه حمایت از صنایع کوچک و متوسط از طریق نظرسنجی از خبرگان و صاحب‌نظران تحلیل گشته و همچنین نقش آن در عدم توسعه‌یافتگی این صنایع مورد آزمون قرار گرفته است. در پایان نیز پیشنهادها و راهکارهای اجرایی ارائه شده است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. تعریف و دسته‌بندی صنایع کوچک و متوسط

بر اساس تعریف بانک جهانی، بنگاه‌های کوچک و متوسط بنگاه‌هایی هستند که تعداد آن‌ها از ۳۰۰ نفر تجاوز نکند و حداکثر درآمد یا گردش مالی سالانه و دارایی‌های آن‌ها نیز ۱۵ میلیون دلار باشد. صندوق بین‌المللی پول و بانک توسعه بین‌آمریکایی نیز بنگاه‌های کوچک و متوسط را بنگاه‌هایی می‌دانند که حداکثر تعداد کارکنان آن‌ها ۱۰۰ نفر و حداکثر درآمد یا گردش مالی سالانه آن‌ها سه میلیون دلار باشد. بر اساس تعریف بانک توسعه آفریقایی حداکثر تعداد کارکنان در بنگاه‌های کوچک و متوسط ۵۰ نفر است و محدودیتی برای درآمد یا دارایی آن‌ها وجود ندارد. (گیسون و وارت، ۲۰۰۷) شوماخر، صنایع کوچک را از دیدگاه کاربرد تکنولوژی حد وسط مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و تعریف صنایع کوچک را در نقش واسطه‌گری تکنولوژیک برای تأمین نیازهای مناطق روستایی منسجم نموده است (شوماخر، ۱۳۷۲، ۵۰-۳۳).

مرور تعاریف ارائه شده توسط سازمان‌های توسعه‌ای بین‌المللی از قبیل سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) و کشورهای مختلف در این رابطه، حاکی از آن است که معیار تعداد کارکنان به‌عنوان فصل مشترک معیارهای مورد استفاده در تمامی کشورها بوده و بر این اساس، صنایع زیر ۱۰ نفر کارکن را صنایع خرد، صنایع بین ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن را صنایع کوچک، صنایع بین ۴۰ تا ۲۵۰ نفر کارکن را صنایع متوسط و صنایع دارای بیش از ۲۵۰ نفر کارکن را صنایع بزرگ محسوب می‌نمایند.

در ایران سازمان‌های متعدد تعاریف مختلفی از صنایع کوچک و متوسط را ارائه داده‌اند به گونه‌ای که یکی از مشکلات مرتبط با این صنایع در کشور عدم توافق بر یک تعریف واحد و پذیرفته شده از این صنایع است. بر اساس تعریف وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت جهاد کشاورزی، بنگاه‌های کوچک و متوسط، واحدهای



صنعتی و خدماتی (شهری و روستایی) هستند که کمتر از ۵۰ نفر کارگر دارند (یونیدو، ۱۳۸۳: ۱۲۱). وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز برحسب مورد، تعاریف وزارت صنعت، معدن و تجارت و مرکز آمار ایران را در مورد این صنایع بکار می‌برد. مرکز آمار ایران کسب‌وکارها را به چهار گروه طبقه‌بندی کرده است؛ کسب‌وکارهای دارای ۱-۹ کارگر، ۱۰-۴۹ کارگر، ۵۰-۹۹ کارگر و بیش از ۱۰۰ کارگر (سالنامه آماری کشور). هرچند این طبقه‌بندی ظاهراً شباهتی با تعاریف اتحادیه اروپا دارد ولی مرکز آمار ایران فقط کسب‌وکارهای کمتر از ۱۰ نفر نیروی کار را بنگاه‌های کوچک و متوسط محسوب می‌کند و سایر کسب‌وکارها را "کارخانجات صنعتی بزرگ" قلمداد می‌کند. بانک مرکزی ایران نیز کسب‌وکارهای زیر ۱۰۰ نفر نیروی کار را به‌عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط تلقی می‌کند. همچنین سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران به‌عنوان اصلی‌ترین متولی صنایع کوچک ایران، صنایع و کسب‌وکارهای کمتر از ۱۰ نفر کارکن را صنایع خرد، صنایع دارای ۱۰ تا ۴۹ کارکن را صنایع کوچک، صنایع دارای ۵۰ تا ۱۵۰ نفر کارکن را صنایع متوسط و صنایع دارای بیش از ۱۵۰ نفر کارکن را صنایع بزرگ محسوب می‌نماید.

۲-۱. حوزه و گستره سیاست‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط

سیاست‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط را می‌توان به‌عنوان بخشی از سیاست‌های عمومی و به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از سیاست‌های صنعتی کشور تلقی نمود که باهدف توسعه و ارتقا رقابت‌پذیری این دسته از صنایع طراحی و اجرا می‌گردند.

سیاست‌های موجود در حوزه توسعه صنایع کوچک و متوسط در کشورهای مختلف با توجه به ساختار و ماهیت فعالیت‌های اقتصاد، ساختار حاکمیتی، فضای ملی و بین‌المللی حاکم بر هر کشور، درجه توسعه‌یافتگی اقتصادی و صنعتی کشورها، نیازها و الزامات صنایع کوچک و متوسط فعال در هر کشور، طیف وسیعی از برنامه‌های و اقدامات توسعه‌ای را در برمی‌گیرد. کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه (ESCAP)^۱ (۲۰۱۲) با مرور تجارب به‌دست‌آمده از سیاست‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط در کشورهای مختلف و همچنین ۱۳ سازمان‌ها و نهادهای توسعه‌ای بین‌المللی از جمله بانک توسعه آسیایی ADB^۲، سازمان بهره‌وری آسیا APO^۳، دپارتمان توسعه بین‌الملل DFID^۴، نهاد همکاری فنی آلمان GTZ^۵، سازمان بین‌المللی کار ILO^۶، آژانس

1. Economic and Social Commission for Asia and the Pacific
2. Asian Development Bank
3. Asian Productivity Organization
4. Department for International Development (United Kingdom)
5. Deutsche Gesellschaft für Technische Zusammenarbeit GmbH (German Technical Cooperation)
6. International Labour Organization



همکاری‌های بین‌المللی ژاپن JICA^۱، سازمان همکاری‌ها و توسعه اقتصادی OECD^۲، آژانس توسعه و همکاری سوئیس SDC^۳، کنفرانس ملل متحد در مورد توسعه و تجارت DNCTAD^۴، برنامه توسعه سازمان ملل UNDP^۵، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد UNIDO^۶، آژانس ایالات‌متحده برای توسعه همکاری USAID^۷ و بانک جهانی WB^۸ هم رویکردها و سیاست‌های توسعه‌ای مرتبط با صنایع کوچک و متوسط را در چند محور اصلی دسته‌بندی نموده‌اند که این محورها در قالب جدول ۱ ارائه شده‌اند.

جدول ۱- رویکردها و سیاست‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط در سازمان‌های توسعه‌ای بین‌المللی

سیاست‌های معطوف به تقویت همکاری و توسعه زنجیره ارزش (خوشه‌ها و شبکه‌ها)	سیاست‌های معطوف به تأمین خدمات توسعه کسب‌وکار برای صنایع کوچک و متوسط	سیاست‌های معطوف به توسعه بازار برای صنایع کوچک و متوسط	سیاست‌های معطوف به نوآوری و توسعه فناوری در صنایع کوچک و متوسط	سیاست‌های معطوف به تأمین منابع مالی برای صنایع کوچک و متوسط	سیاست‌های معطوف به بهبود کارآفرینی و منابع انسانی برای صنایع کوچک و متوسط	سیاست‌های معطوف به تأمین و ایجاد زیرساخت برای صنایع کوچک و متوسط	سیاست‌های معطوف به تدوین قوانین و مقررات حمایتی از صنایع کوچک و متوسط	رویکردها و سیاست‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط
				*	*	*	*	بانک توسعه آسیا ADB
*	*	*	*	*	*	*	*	سازمان بهره‌وری آسیا APO
			*	*	*	*	*	دفترتعاون توسعه بین‌المللی DFID
	*	*	*	*	*	*	*	همکاری فنی آلمان GTZ

1. Japan International Cooperation Agency
2. Organisation for Economic Co-operation and Development
3. Swiss Agency for Development and Cooperation
4. United Nations Conference on Trade and Development
5. United Nations Development Programme
6. United Nations Industrial Development Organization
7. United States Agency for International Development
8. World Bank



	*			*	*	*	* سازمان بین‌المللی کار ILO
	*			*	*	*	ژانس همکاری‌های بین‌المللی ژاپن JICA
		*	*	*	*	*	سازمان همکاری‌ها و توسعه اقتصادی OECD
*		*		*	*	*	ژانس توسعه و همکاری سوئیس SDC
*	*	*	*	*	*	*	کنفرانس ملل متحد در مورد توسعه و تجارت UNCTAD
		*		*	*	*	برنامه توسعه سازمان ملل UNDP
*	*	*	*	*	*	*	سازمان توسعه صنعتی ملل متحد UNIDO
*	*	*	*	*	*	*	ژانس ایالات متحده برای توسعه همکاری USAID
	*			*	*	*	بانک جهانی WB

منبع: سازمان ملل (۲۰۱۲)

سیاست‌های معطوف به تدوین قوانین و مقررات حمایتی از صنایع کوچک و متوسط در تمامی ۱۳ سازمان توسعه‌ای مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. این امر اهمیت بسیار زیاد محیط و چارچوب‌های قانونی و مقرراتی مورد نیاز صنایع کوچک و متوسط را نشان می‌دهد. این سیاست‌ها با هدف بهبود فضای کسب و کار و فراهم نمودن فضای قانونی و نهادی مورد نیاز برای فعالیت مؤثرتر صنایع کوچک و متوسط طراحی، تدوین و اجرا می‌شوند. این سیاست‌ها ناظر بر بهبود فضای کلان اقتصادی، صنعتی، اجتماعی و فرهنگی بوده و سعی در روان‌سازی و رفع موانع فعالیت صنایع کوچک و متوسط دارند. در این حوزه سیاست‌ها به گونه‌ای باید طراحی گردند تا مسائل



و چالش‌های مختلف فراروی صنایع کوچک و متوسط را از قبیل ثبات اقتصادی، ثبات نرخ ارز، بهینه بودن مالیات‌ها، قوانین ثبت شرکت‌ها و اخذ مجوزها، مسائل بیمه‌ای، حقوق مالکیت، کنترل انحصارتی که آسیب جدی بر صنایع کوچک وارد می‌نمایند و مسائل متعددی از این دست، حل و فصل نمایند.

سیاست‌های معطوف به تأمین و ایجاد زیرساخت برای صنایع کوچک و متوسط نیز بخش دیگری از سیاست‌های توانمندسازی محیط کسب‌وکار را شکل می‌دهند و همانند سیاست‌های دسته اول مورد توجه تمامی نهادهای توسعه‌ای مذکور قرار دارند. این سیاست‌ها با هدف تأمین و ایجاد زیرساخت‌های عمدتاً سخت‌افزاری مورد نیاز برای فعالیت مؤثرتر صنایع کوچک و متوسط طراحی، تدوین و اجرا می‌شوند. در این حوزه سعی می‌شود تا سیاست‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که امکانات مورد نیاز برای صنایع کوچک و متوسط از قبیل آب، برق، انرژی، محل استقرار واحد صنعتی، تصفیه‌خانه‌ها، حمل‌ونقل و غیره به شکل اقتصادی فراهم گردد. یکی از مهم‌ترین روش‌های رسیدن به این امر احداث شهرک‌های صنعتی، نواحی صنعتی، مجتمع‌های کارگاهی جهت استقرار واحدهای صنعتی است که زمینه‌های عرضه جمعی امکانات مورد نیاز این صنایع را فراهم می‌نماید.

مبنتی بر یافته‌های مرکز جهانی پایش کارآفرینی (GEM: ۲۰۰۷)^۱، دولت‌ها برای تقویت و تشویق فعالیت‌های کارآفرینی باید شرایط مورد نیاز آن را فراهم نمایند. این شرایط پایه‌ای عبارت‌اند از ثبات اقتصاد کلان یا شرایط کلان اقتصادی، چارچوب حقوقی و قانونی محکم و قدرتمند، باز بودن بازارها، آموزش رسمی، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مناسب و مهیا بودن فناوری‌های مورد نیاز. مبنتی بر ادعای سازمان بهره‌وری آسیایی (APO: ۲۰۰۷) اقدامات دولت برای ایجاد پیش‌شرط‌های مورد نیاز برای تقویت کارآفرینی باید مشتمل بر مجموعه اقداماتی از قبیل اصلاح مقررات، توسعه مهارت‌های کارآفرینی، برنامه‌های کارآفرینی جوانان و زنان، مراکز رشد و آگاهی بخشی و برگزاری دوره‌های آموزشی مناسب در خصوص کارآفرینی باشد.

مبنتی بر مطالعات انجام یافته، یکی از مهم‌ترین مشکلات و تنگناهای فراروی صنایع کوچک و متوسط، محدودیت آن‌ها در دسترسی به منابع مالی مورد نیاز است. صنایع کوچک و متوسط در دسترسی به منابع مالی با محدودیت‌های متعددی از جمله بخش مالی ناکارا، نرخ‌های بهره بالا، اطلاعات و دانش ناکافی در خصوص منابع مالی قابل دسترس، ضعف در دسترسی به خدمات و بسته‌های مالی، ضعف در منابع انسانی و مواردی از این دست مواجه می‌شوند (ESCAP, ۲۰۰۹) که حل آن‌ها مستلزم اقدامات حمایتی مناسب از طرف دولت‌ها است که می‌تواند مشتمل بر مواردی از جمله تأمین مالی خرد، فراهم نمودن وام‌های مناسب، ضمانت نمودن وام‌ها و سرمایه‌گذاری مشترک باشد.



یکی دیگر از مواردی و حوزه‌هایی که صنایع کوچک و متوسط نیازمند حمایت و انجام سیاست‌گذاری‌های مناسب توسط دولت در این حوزه است، موضوع فناوری و تکنولوژی تولید است. برای حمایت از توسعه و بهبود فناوری در صنایع کوچک و متوسط برنامه‌های حمایتی متعددی می‌تواند از طرف دولت‌ها به اجرا درآید که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: فعال نمودن تحقیق و توسعه در صنایع کوچک و متوسط، انتقال فناوری و جذب آن در صنایع کوچک و متوسط، ایجاد شهرک‌های فناوری، استقرار صنایع در مراکز رشد فناوری، اصلاح آموزش و تقویت مهارت‌های موردنیاز، حمایت از حقوق مالکیت معنوی و تقویت تجارت الکترونیک در صنایع کوچک و متوسط. بسیاری از مشکلات و معضلات صنایع کوچک و متوسط در سایر حوزه‌ها از جمله ضعف مالی و ضعف فناوری ریشه در ضعف بازار و مسائل توسعه بازار این صنایع دارد. فراهم نمودن اطلاعات مورد نیاز در خصوص بازار تولیدات صنایع کوچک و متوسط، برنامه‌ریزی برای بازاریابی و صادرات مشترک، برند سازی مشترک، اعزام صنایع کوچک و متوسط برای شرکت در نمایشگاه‌ها داخلی و خارجی می‌تواند نمونه‌هایی از اقدامات و سیاست‌های دولت برای حمایت از توسعه بازارهای صنایع کوچک و متوسط به شمار آید.

صنایع کوچک و متوسط برای فعالیت مؤثرتر نیازمند استفاده از خدمات متعدد کسب‌وکار در حوزه‌های از قبیل آموزش منابع انسانی، فناوری، بازاریابی، مشاوره‌های فنی، مالی و حقوقی و غیره هستند. بدین منظور یکی از سیاست‌های دولت در اغلب کشورها بر این مبنا شکل گرفته که زمینه‌های فراهم نمودن این خدمات را برای صنایع کوچک و متوسط فراهم نماید. یکی از روش‌های مؤثر برای عملی ساختن این امر سیاست ایجاد مراکز خدمات است که محلی را برای تجمع و استقرار مشاوران و ارائه‌دهندگان خدمات تخصصی در زمینه‌های مختلف فراهم می‌آورد.

در کنار حمایت‌های متعددی که بنگاه‌های کوچک و متوسط به آن‌ها نیاز دارند، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین آن‌ها، نیاز به تقویت ارتباط با اجزا و ساختارهای مختلف سیستم صنعتی، از جمله سایر صنایع، بخش دولت و نهادهای پشتیبان، تأمین‌کنندگان مواد اولیه، مشتریان و غیره است. دولت‌ها می‌توانند برای پاسخگویی به این نیاز برنامه‌های توسعه خوشه‌ها و شبکه‌های را به اجرا درآورند.

۳-۱. شاخص‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط

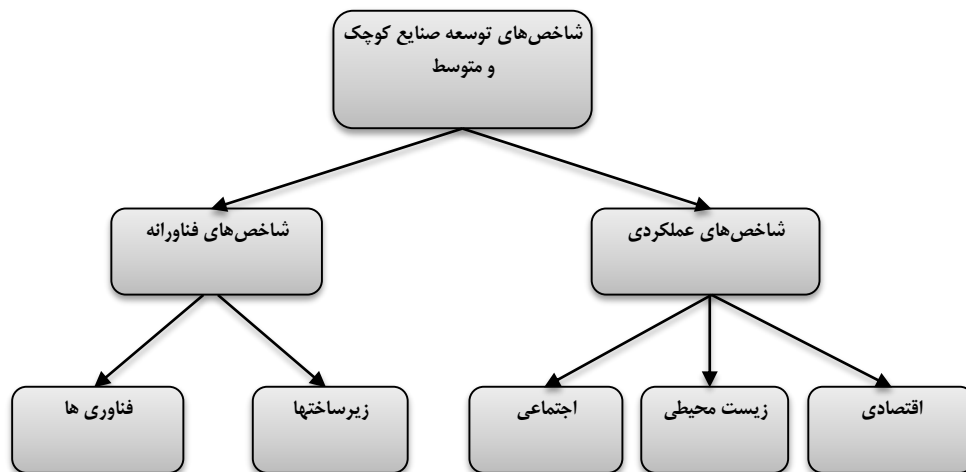
سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)، به عنوان یکی از سازمان‌های بین‌المللی تخصصی مرتبط با سیاست‌گذاری‌های توسعه صنعتی، برای سنجش و ارزیابی سطح توسعه‌یافتگی صنعتی کشورها از دو دسته شاخص‌های عملکردی^۱ و شاخص‌های مبتنی بر فناوری^۲ استفاده می‌نماید که بر اساس آن‌ها بخش قابل توجهی

1. Performance Indicators
2. Technology based Indicators



از درجه توسعه‌یافتگی صنعتی قابل توضیح است. با اقتباس از سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، می‌توان شاخص‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط را به شرح شکل (۱) ارائه نمود.

شکل-۱. شاخص‌ها و مؤلفه‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط



شاخص‌های عملکردی: این شاخص‌ها مبین آثار و نتایج توسعه صنعتی در حوزه‌های متفاوت اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است به گونه‌ای که میزان تأثیرات اقتصادی و همچنین کیفیت و پایداری توسعه صنایع کوچک و متوسط نیز از طریق این شاخص‌ها قابل بررسی و ارزیابی است. مؤلفه اقتصادی این شاخص عبارت‌اند از: سهم ارزش‌افزوده صنایع کوچک و متوسط از تولید ناخالص داخلی، سهم اشتغال صنایع کوچک و متوسط از کل اشتغال، سهم صادرات صنایع کوچک و متوسط، میزان رقابت‌پذیری صنایع کوچک و متوسط، شاخص بهره‌وری در صنایع کوچک و متوسط از شاخص‌های این دسته هستند. مؤلفه‌های زیست‌محیطی شاخص توسعه صنایع کوچک و متوسط عبارت‌اند از: نسبت تعداد صنایع آلاینده به کل تعداد واحدهای صنعتی، میزان بودجه تخصیص داده‌شده برای کنترل مسائل و تبعات زیست‌محیطی ناشی از صنعتی شدن، تعداد تصفیه‌خانه‌های صنعتی و استفاده از فناوری‌های سازگار با محیط زیست و میزان آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از استقرار صنایع. در میان مؤلفه‌های اجتماعی نیز می‌توان به مواردی از جمله میزان تشدید نابرابری‌های اقتصادی، رفع فقر و محرومیت، چگونگی بهره‌برداری از نیروی کار در فرآیند صنعتی شدن و نحوه تغییر در رفتارها و هنجارهای اجتماعی به تبع صنعتی شدن اشاره نمود.



شاخص‌های مبتنی بر فناوری: این شاخص‌ها بیشتر نشان‌دهنده عوامل زیرساختی و تکنولوژیک مؤثر بر توسعه صنایع کوچک و متوسط هستند. لذا بالا بودن این شاخص‌ها لزوماً به معنای توسعه‌یافتگی صنعتی نیست اما توسعه‌یافتگی صنعتی در گرو بهره‌مندی از سطح مناسبی از زیرساخت‌ها و فناوری‌ها است. سهم سرمایه‌گذاری در ساختمان و تشکیلات تولیدی، تعداد شهرک‌ها و نواحی صنعتی، سرانه استفاده از تلفن و اینترنت، میزان دسترسی به امکانات حمل‌ونقل از قبیل جاده‌ها، خط آهن، فرودگاه، بندرها و اسکله‌ها، میزان دسترسی به آب، برق و شبکه فاضلاب را می‌توان در زمره مؤلفه‌های زیرساختی محسوب نمود. از میان مؤلفه‌های فناورانه نیز می‌توان به مواردی چون سهم سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و تجهیزات، شاخص کارایی در سیستم‌های تولیدی، شاخص نوآوری در امر تولید و از شاخص‌های نرم‌افزاری آن به سطح مهارت و دانش نیروی انسانی اشاره نمود.

۲. پیشینه تجربی

۲-۱. مطالعات خارجی

سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان «سند استراتژی برای تقویت جایگاه بخش صنایع کوچک و متوسط در توسعه صنعتی و اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران» وضعیت سیاست‌های صنعتی، سیاست‌های تجاری مؤثر بر صنایع کوچک و متوسط، سیاست‌های بازار کار، سیاست‌های کنترلی و نظارت بر صنایع کوچک و متوسط، سیاست‌های موجود در حوزه آموزش، سیاست‌های مرتبط با توسعه فناوری و سیاست‌های مرتبط با آلودگی‌های صنعتی در ایران را مورد بررسی و مطالعه قرار داده است.

هیل^۱ (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای با عنوان «صنایع کوچک و متوسط در اندونزی: چالش‌های سیاست‌های گذشته برای دولت جدید» دریافته است که عامل کلیدی در افزایش کارایی و پویایی صنایع کوچک و متوسط ایجاد محیطی است که این صنایع فارغ از حمایت‌های دولتی بتوانند به رشد و پیشرفت دست یابند. ایجاد چنین فضایی مستلزم شناسایی موانع و از میان برداشتن آن‌ها است به‌نحوی که دولت و نهادهای توسعه‌ای بتوانند تنها به‌عنوان یک کاتالیزور ایفای نقش نمایند و حمایت‌های آن‌ها به‌طور مداوم ادامه نیابد.

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)^۲ (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای با عنوان «سیاست‌های مؤثر و کارآمد برای کسب‌وکارهای کوچک» به این نتیجه رسیده‌اند که اولین اقدام در سیاست‌گذاری، فراهم نمودن ملزوماتی است که برای تحلیل لازم است. این ملزومات عبارت‌اند از: ۱- نظارت بر صنایع کوچک و متوسط با هدف اطلاع از تعداد کسب‌وکارهای جدید ایجاد شده، نرخ بقا و میزان رشد صنایع کوچک و متوسط، ۲- بررسی تأثیر مصوبات دولت در بخش SME با هدف بازنگری در مصوبات و اعمال تغییرات لازم در جهت رفع مشکلات صنایع کوچک

1. Hill

2. Organization for Economic Co-operation and Development



و متوسط و ۳- ارزیابی اقدامات حمایتی با هدف اطلاع از میزان اثرگذاری سیاست‌ها و اقدامات حمایتی که در راستای تسریع رشد صنایع کوچک و متوسط و از میان برداشتن موانع توسعه‌ای این بخش اعمال می‌گردند. گام دوم در پروسه سیاست‌گذاری، تنظیم سیاست‌ها است. این سیاست‌ها باید به گونه‌ای تنظیم و تدوین گردند که:

- ۱- اهداف توسعه‌ای SME در راستای اهداف کلان اقتصادی باشد. ۲- ضوابط و معیارهایی برای مداخله و حمایت مقامات دولتی از صنایع کوچک و متوسط در نظر گرفته شود. ۳- نقش هریک از مقامات و سازمان‌های مرکزی، منطقه‌ای و محلی به خوبی تعیین گردد و ۴- چارچوبی برای فعالیت بخش خصوصی در حوزه صنایع کوچک و متوسط در نظر گرفته شود. گام سوم در پروسه سیاست‌گذاری، مدیریت سیاست‌ها است. بدین منظور لازم است اقدامات زیر صورت گیرد: ۱- ایجاد ارتباط و همکاری با بخش‌های مختلف دولتی با هدف تعیین نقش هریک از این بخش‌ها در توسعه SME و تعیین مکانیسم‌هایی که باید در قالب سیاست‌ها و برنامه‌ها اجرا گردد، ۲- مدیریت بر محیط نظارتی، ۳- مدیریت تعامل با بخش SME، یافتن مکانیسمی برای مدیریت روابط دولت با بخش خصوصی و SME به طور خاص، ۴- ارتباط گسترده با عموم مردم، با رسانه‌ها و با همه ذی‌نفعان برای آگاهی از مسائل مربوط به توسعه SME و ۵- اولویت‌بندی مسائل مربوط به توسعه صنایع کوچک و متوسط و تعیین اولویت‌های توسعه اجتماعی و منطقه‌ای به طور مثال در زمینه گردشگری، کشاورزی، صنایع دستی و توزیع خدمات.

سازمان توسعه صنایع کوچک و متوسط پاکستان (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای با عنوان «ایجاد محیط سیاستی برای صنایع کوچک و متوسط در پاکستان» نشان داده است که آگاهی از روش‌های نظارتی، دسترسی به اطلاعات، سازگاری سیاست‌ها با یکدیگر و شفافیت در اجرای مقررات و سیاست‌ها از عناصر اصلی وجود یک محیط مناسب برای سیاست‌گذاری در حوزه صنایع کوچک و متوسط به شمار می‌روند.

دوتا^۱ و ابه (۲۰۱۴) در مطالعه خود با عنوان «چارچوب سیاستی جدید برای توسعه SME در کشور میانمار» بیان می‌دارند که توسعه صنایع کوچک و متوسط در کشور میانمار یکی از مؤثرترین مکانیسم‌ها در دستیابی این کشور به رشد اقتصادی است، اما این صنایع در کشور میانمار با مشکلاتی نظیر تأمین مالی ناکافی، ارتباط ضعیف با بازارهای خارجی، زیرساخت‌های نامناسب و عدم دسترسی به نوآوری‌های فنی مواجه هستند. بر اساس یافته‌های این تحقیق توسعه صنایع کوچک و متوسط نیازمند توجه به بخش‌های مختلف کسب‌وکار از جمله محیط‌های مناسب برای کسب‌وکار، توسعه کارآفرینی، دستیابی به منابع مالی، خدمات توسعه کسب‌وکار، نوآوری و تکنولوژی، دسترسی به بازار و توسعه خوشه‌ها است.

کلیر و رنه^۲ (۲۰۱۰) به مقایسه چهار ابزار سیاستی برای افزایش نوآوری در ۱۱ منطقه اروپایی می‌پردازند و تغییر در منطق و جهت‌گیری سیاست‌های فعلی ایجاد نوآوری در بنگاه‌های کوچک و متوسط را پیشنهاد می‌نمایند.



یکی دیگر از نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق آن است که بسته به شرایط منطقه‌ای، در مواجهه با مشکلات مشابهی که بنگاه‌های کوچک و متوسط در مناطق مختلف با آن روبرو هستند نیاز به اعمال سیاست‌های متفاوتی است.

سکوندو و جیوزپ^۱ (۲۰۱۰) متناسب بودن برنامه‌های حمایتی دولت‌ها و مقامات محلی با نیازهای بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایجاد تکنولوژی نوآورانه را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج بیانگر آن است اجرای سیاست‌های حمایتی در زمینه نوآوری به قدرت جذب بنگاه‌ها بستگی دارد. این در حالی است که بیشتر بنگاه‌ها از فقدان ساختار تکنیکی مورد نیاز (بخش طراحی، آزمایشگاه تحقیق و توسعه، بخش تولید نمونه اولیه و غیره) و کارمندان متخصصی که بتوانند در تعامل مداوم با گروه‌های تحقیقاتی باشند، رنج می‌برند. یافته‌ها بیانگر آن است که تمامی بنگاه‌ها با افزایش برنامه‌های حمایتی موافق نیستند و گروهی از آن‌ها معتقدند که این کمک‌ها تنها باعث آرام کردن بازار به‌صورت موقتی می‌شوند. آن‌ها معتقدند تقویت زیرساخت‌ها اقدام مؤثرتری در این زمینه خواهد بود. علاوه بر این، به دلیل طولانی بودن زمان اجرای کمک‌های دولتی و ناطمینانی از نتیجه آن، این سیاست‌ها بر تصمیمات سرمایه‌گذاری اثر نمی‌گذارند و بنابراین کارایی چنین سیاست‌هایی نزدیک به صفر است.

رایت و دیگران^۲ (۲۰۰۷) در راستای تبیین یک محیط مناسب برای رشد کسب‌وکارهای مخاطره‌آمیز هستند، فراملی شدن را یکی از مسائل سیاست‌گذاری مورد مناقشه در حوزه حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط قلمداد نموده‌اند. بر اساس یافته‌های این تحقیق در صورتی که سیاست‌گذاران به دنبال هموارسازی فراملی شدن بنگاه‌ها هستند، سیاست‌های حمایتی متعادل‌تر و تصفیه‌شده‌ای را اتخاذ کنند. در بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط، محصولات تولیدی غیرقابل‌مبادله تولید می‌گردند به همین دلیل سیاست‌گذاران باید برای مؤثر بودن حمایت‌هایشان به نوع محصول بنگاه توجه کرده و به‌طور عمومی بنگاه‌هایی با محصولات دارای تکنولوژی بالا و نوآورانه را مورد حمایت قرار دهند. سیاست‌گذاران باید کارآفرینان را تشویق کنند که دامنه فرصت بازاری خود را به هنگام تولید محصولات و خدمات در نظر بگیرند.

۲-۲. مطالعات داخلی

سلطانی، شایگانی و ورودی (۱۳۹۲) ضمن تأکید بر اهمیت و جایگاه تأمین مالی برای رفع مشکلات صنایع کوچک و متوسط، به ارزیابی و آسیب‌شناسی سیاست‌های ایران در حوزه تأمین مالی از طریق مطالعه وضع موجود تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط در ایران و مقایسه آن با تجارب کشورهای موفق پرداخته و موارد زیر را به‌عنوان مهم‌ترین موانع پیش روی تأمین مالی صنایع کوچک برشمرده‌اند: ۱- توجه بسیار کم و جسته‌وگریخته به اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد کشور، ۲- عدم وجود تعریف واحد و مشترک در خصوص

3. Secondo & Giuseppe

1. Wright



بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور، ۳- عدم تعیین اهرم‌های حصول به هدف، ۴- توجه صرف به نرخ سود کم وام‌های اعطایی، ۵- مکلف نمودن بانک‌ها به پرداخت وام بدون پذیرش ریسک از سوی سیاست‌گذار و ۶- عدم پایش و پیگیری درست برنامه‌ها.

صلواتی سرچشمه و همکاران (۱۳۸۶) با استفاده از تجربه موفق اتحادیه اروپا به ارائه چارچوبی جهت حمایت از ایجاد و توسعه SME می‌پردازند. به اعتقاد نویسندگان ارزیابی وضعیت موجود (شامل نرخ شروع فعالیت‌های جدید، نرخ ماندگاری، نرخ توسعه SME و میزان سلامت SME) و بازبینی سیاست‌ها دو گام اصلی در فرایند سیاست‌گذاری در حوزه صنایع کوچک و متوسط به شمار می‌روند. توسعه فرهنگ کسب‌وکار در جامعه، تشویق کارآفرینان برای فعالیت در بخش‌های رسمی اقتصاد، ایجاد صنایع کوچک و متوسط از طریق توجه بیشتر به خصوصی‌سازی، تدوین اهداف توسعه‌ای صنایع کوچک و متوسط در راستای اهداف کلان اقتصادی، توسعه نهادهای قانون‌گذار، حمایت بخش دولتی و خصوصی از SME به طور مشترک و تفویض اختیار از جمله موارد مورد اشاره در تدوین اصول کلی توسعه و حمایت از صنایع کوچک و متوسط به شمار می‌روند.

امین بیدختی و همکاران (۱۳۹۰) به تبیین موانع اصلی در توسعه صنایع کوچک و متوسط در استان سمنان پرداخته و نشان داده‌اند که تنها ۱۱٪ از شرکت‌های کوچک و متوسط از تسهیلات و حمایت‌های مالی، ۷٪ از شرکت‌های کوچک و متوسط از حمایت‌های فنی، ۹٪ از شرکت‌های کوچک و متوسط از حمایت‌های تجاری و بازاریابی و ۷٪ از شرکت‌های کوچک و متوسط از حمایت‌های مدیریتی برخوردار بوده‌اند. لذا عملکرد دولت در زمینه حمایت از صنایع کوچک و متوسط بسیار ناچیز بوده است.

نوتاش و همکاران (۱۳۸۶) به بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر انتشار تکنولوژی در صنایع کوچک و متوسط با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی می‌پردازند و در نهایت عوامل تسریع‌کننده انتشار تکنولوژی را در قالب چهار برنامه آموزشی، انگیزشی، تحقیقاتی و ارتباطی معرفی و تبیین می‌نمایند

لامعی (۱۳۸۱) با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موانع قانونی رشد کارآفرینی در صنایع کوچک ایران در پنج زمینه اخذ مجوز تأسیس، فرایند دریافت اعتبارمانی، مقررات صادرات و واردات، قوانین مالیاتی و قوانین کار پرداخته و دریافته است که در زمینه ایجاد واحدهای تولیدی کوچک، کارآفرینان با مشکلاتی نظیر تغییر مداوم قوانین و ضوابط، عدم وجود یک پایگاه اطلاعاتی کارآمد جهت شناخت بازار و محصولات تولیدی مواجه هستند. در زمینه دریافت اعتبارات مالی انعطاف‌ناپذیری قوانین حاکم بر نظام بانکی سبب شده تا سیستم بانکی در پرداخت تسهیلات تمایزی میان صنایع کوچک و بزرگ قائل نباشد. در زمینه مقررات صادرات و واردات کارآفرینان با مشکلاتی نظیر عدم ثبات قوانین و مقررات، وجود تشریفات اداری طولانی در گشایش اعتبار اسنادی و بی‌ثباتی نرخ ارز مواجه هستند. در زمینه قوانین مالیاتی یکی از مشکلات موجود آن است که دریافت مالیات از بنگاه‌های اقتصادی تنها بر اساس میزان درآمد ابرازی صورت می‌پذیرد و نوع فعالیت و یا اندازه بنگاه تأثیری در میزان دریافت مالیات ندارد.



۳. معرفی فرضیه‌ها و نحوه اندازه‌گیری متغیرها

به منظور بررسی چگونگی و میزان نقش‌آفرینی کارآمدی سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط بر میزان توسعه‌یافتگی این صنایع، هفت فرضیه به شرح زیر مطرح شده و مورد آزمون قرار گرفته است.

- فرضیه اول: شاخص قابلیت توسعه صنایع کوچک و متوسط تفاوت معنی‌داری با وضعیت مطلوب دارد.
- فرضیه دوم: شاخص عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط تفاوت معنی‌داری با وضعیت مطلوب دارد.
- فرضیه سوم: کیفیت سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط تفاوت معنی‌داری با وضعیت مطلوب دارد.
- فرضیه چهارم: کارکرد سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط تفاوت معنی‌داری با وضعیت مطلوب دارد.
- فرضیه پنجم: بین کیفیت و کارکرد سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط ارتباط معنی‌داری وجود دارد.
- فرضیه ششم: بین کارکرد سیاست‌های طراحی‌شده و شاخص قابلیت توسعه صنایع کوچک و متوسط ارتباط معنی‌داری وجود دارد.
- فرضیه هفتم: بین کارکرد سیاست‌های طراحی‌شده و شاخص عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط ارتباط معنی‌داری وجود دارد.
- فرضیه هشتم: بین کیفیت سیاست‌های طراحی‌شده و شاخص قابلیت توسعه صنایع کوچک و متوسط ارتباط معنی‌داری وجود دارد.
- فرضیه نهم: بین کیفیت سیاست‌های طراحی‌شده و شاخص عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط ارتباط معنی‌داری وجود دارد.
- فرضیه دهم: بین شاخص قابلیت و شاخص عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

این تحقیق مشتمل بر چهار متغیر اصلی است که عبارت‌اند از کیفیت سیاست‌ها، کارکرد سیاست‌ها، شاخص قابلیت توسعه صنایع کوچک و متوسط و شاخص عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط. کیفیت سیاست‌ها و کارکرد سیاست‌ها برای اندازه‌گیری کارآمدی سیاست‌ها مدنظر قرار گرفته‌اند. استدلال بر این است که سیاست‌های کارآتر از کیفیت بالاتر و کارکرد بهتر برخوردارند. برای سنجش کیفیت سیاست‌ها از چهار مؤلفه میزان پایداری و انعطاف‌پذیری سیاست‌ها، میزان آینده‌نگری و واقع‌بینی سیاست‌ها، میزان هدف‌دار بودن سیاست‌ها و میزان گستردگی سیاست‌ها بهره گرفته شده است. برای اندازه‌گیری کارکرد سیاست‌ها از سه مؤلفه استفاده شده است که عبارت‌اند از هدایت سازمان‌ها و نهادهای متولی، ایجاد هماهنگی لازم بین نهادها و ارزیابی و کنترل برنامه‌ها (الوانی، ۱۳۸۰: ۲۲-۲۴). به منظور سنجش شاخص قابلیت توسعه صنایع کوچک و متوسط از



هشت مؤلفه از جمله وجود قوانین و مقررات مناسب، وجود زیرساخت‌های مناسب، وجود فضای کارآفرینی، وضعیت تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط، وضعیت توسعه تکنولوژی، وضعیت دسترسی به بازار، وضعیت دسترسی به خدمات توسعه کسب‌وکار و تعامل و همکاری بین صنایع بهره‌گرفته شده است. برای سنجش شاخص عملکردی توسعه نیز از پنج مؤلفه توان رقابت‌پذیری، توان صادراتی، توان تولیدی، وضعیت اشتغال و وضعیت سرمایه‌گذاری استفاده شده است. میزان تمامی مؤلفه‌های مذکور از طریق نظرسنجی از خبرگان و کارشناسان در طیف بسیار کم تا بسیار زیاد مشخص شده است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، تحقیقی کاربردی است و از نظر روش تحقیق در زمره تحقیقات توصیفی و پیمایشی قرار داد. این تحقیق در بازه زمانی ابتدای ۱۳۹۳ تا نیمه اول سال ۱۳۹۴ انجام یافته و جامعه آماری این تحقیق را کلیه کارشناسان و صاحب‌نظران (اعم از دانشگاهی و اجرایی) مرتبط با این حوزه تشکیل می‌دهند. متأسفانه تعداد افرادی که از آگاهی و تخصص لازم در خصوص صنایع کوچک و متوسط، سیاست‌ها و ساختارهای سیاست‌گذاری مرتبط با آن برخوردار باشند، با محدودیت مواجه است و همین امر منجر به محدود شدن حجم نمونه در این تحقیق شده است. با توجه به محدود بودن تعداد پاسخگویان، برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه در دسترس استفاده شده است. در این راستا تعداد ۱۲۰ کارشناس و صاحب‌نظر شناسایی شد و با توزیع پرسشنامه و پیگیری‌های مکرر تعداد ۸۱ پرسشنامه تکمیل و عودت گردید که از میان آن‌ها ۷۸ پرسشنامه مورد قبول واقع شد.

پرسشنامه طراحی شده برای جمع‌آوری داده‌ها مشتمل بر ۳ بخش است. در بخش اول علاوه بر سؤالات جمعیت شناختی، سؤالاتی در خصوص میزان آشنایی پاسخگویان با مقوله صنایع کوچک و متوسط و سیاست‌گذاری در این حوزه طرح شده است. در بخش دوم که با هدف بررسی کارآمدی سیاست‌های صنایع کوچک و متوسط در نظر گرفته شده است، ۴ سؤال برای سنجش کیفیت سیاست‌ها و ۳ سؤال نیز برای سنجش کارکرد سیاست‌ها طرح شده است. در بخش سوم نیز به منظور اندازه‌گیری میزان توسعه‌یافتگی صنایع کوچک و متوسط ۸ سؤال برای سنجش شاخص قابلیت‌ها و ۵ سؤال برای سنجش شاخص عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط در نظر گرفته شده است. سؤالات مطرح شده از نوع سؤالات بسته بوده و طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) برای پاسخ به آن‌ها در نظر گرفته شده است. با توجه به نبود پرسشنامه استاندارد مشابه در این حوزه، این پرسشنامه محقق ساخت بوده و با توجه به مدل مفهومی ارائه شده و با استناد به ادبیات نظری و تجربی طراحی گشته است. به منظور تقویت روایی پرسشنامه از نظر صاحب‌نظران و اساتید دانشگاه و گنجاندن نظرات اصلاحی آنان استفاده شده است. با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ برای سازه‌های "کارکرد سیاست‌ها"، "کیفیت سیاست‌ها"، "شاخص قابلیت توسعه صنایع کوچک و متوسط" و "شاخص عملکردی توسعه صنایع



کوچک و متوسط" به ترتیب معادل ۰/۷۳، ۰/۷۹، ۰/۸۶ و ۰/۸۱ به‌دست‌آمده است، لذا پایایی پرسشنامه نیز تأیید شده است.

برای آزمون نرمال بودن متغیرها از آزمون نرمالیتی استفاده شده است و نتایج حاکی از آن است که اغلب متغیرها از توزیع غیر نرمال برخوردار هستند. برای آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم تحقیق از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. همچنین از آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های مربوط به کیفیت و کارکردهای سیاست‌های صنایع کوچک و متوسط و همچنین شاخص قابلیت و عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌های پنجم تا دهم تحقیق از روش تحلیل عاملی تأییدی و معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (PLS)^۱ بهره گرفته شده است. این روش به این دلیل مورد استفاده قرار گرفته است که هم توزیع متغیرهای تحقیق غیر نرمال است و هم حجم نمونه نسبتاً پایین است. به عبارت دیگر، آن گونه که آذر و همکاران (۱۳۹۱) بیان می‌کنند، این روش به پیش‌فرض‌هایی همچون توزیع نرمال متغیرها و حجم بالای نمونه‌ها متکی نیست. همچنین هنسلا، رینگل و سینکوویکس (۲۰۰۹) نیز این روش را برای مقاصد پیش‌بینی و اکتشاف روابط محتمل مفید می‌دانند. یعنی، برخلاف روش‌های مبتنی بر کوواریانس که سعی در سازگاری داده‌ها با الگوی نظری پژوهش دارند، این روش به دنبال کشف نظریه‌ای است که در داده‌ها نهفته است. در نتیجه، با توجه به نبود تئوری مشخص و پیچیده بودن مسائل از این روش استفاده شده است. پردازش داده‌های تحقیق به کمک نرم‌افزارهای SPSS و SMART PLS انجام شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. تحلیل توصیفی یافته‌ها

۶/۴ درصد از پاسخگویان در دامنه سنی زیر ۳۰ سال، ۴۷/۴ درصد در دامنه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، ۳۰/۸ درصد در دامنه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال، ۱۲/۸ درصد در دامنه سنی ۵۰ تا ۶۰ سال و در نهایت ۲/۶ درصد نیز بالاتر از ۶۰ سال قرار دارند. همچنین ۸۳/۳ درصد از پاسخگویان به جنسیت مرد و ۱۶/۷ درصد نیز به جنسیت زن اختصاص دارد. ۳۰/۸ درصد از پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، ۵۷/۷ درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و ۱۱/۵ درصد نیز دارای مدرک تحصیلی دکتری هستند. ۲۹/۵ درصد از پاسخگویان دارای سابقه فعالیت زیر ۵ سال، ۴۱ درصد دارای سابقه فعالیت ۵ تا ۱۰ سال، ۲۱/۸ درصد دارای سابقه فعالیت ۱۰ تا ۲۰ سال، ۷/۷ درصد دارای سابقه فعالیت ۲۰ تا ۳۰ سال هستند. ۱۶/۶، ۳۰/۷، ۵۰ و ۲/۵ درصد از پاسخگویان به ترتیب از آشنایی بسیار زیاد، زیاد، متوسط و کم با سیاست‌های صنایع کوچک و متوسط برخوردار هستند. بنابراین بخش



قابل توجهی از پاسخگویان از میزان آشنایی کافی با مقوله صنایع کوچک و متوسط، قوانین و مقررات و ساختارهای سیاست‌گذاری برخوردارند. این امر در تقویت اعتبار یافته‌های تحقیق مؤثر است.

۲-۵. آزمون فرضیه‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم از آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن و برای آزمون فرضیه‌های پنجم تا دهم از روش تحلیل عاملی تأییدی و معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (PLS) استفاده شده است. نتیجه آزمون فرضیه اول در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲- یافته‌های مرتبط با آزمون فرضیه اول

آزمون فریدمن		آزمون t تک نمونه‌ای			شاخص قابلیت توسعه صنایع کوچک و متوسط
اولویت	M.R	Sig.	T	M.D	
۵	۴/۲۷	۰/۰۰۰۰	-۹/۱۶۱	-۰/۹۷۴	قوانین و مقررات مناسب
۱	۵/۷۸	۰/۱۲۱۲	-۱/۴۷	-۰/۲۰۵	زیرساخت‌های فیزیکی مناسب
۳	۴/۴۸	۰/۰۰۰۰	-۹/۱۶۴	-۰/۸۸۴	فضای کارآفرینی
۲	۴/۹۳	۰/۰۰۰۰	-۵/۴۷۵	-۰/۶۵۳	تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط
۸	۳/۸۶	۰/۰۰۰۰	-۱۲/۲۱	-۱/۱۶	وضعیت توسعه تکنولوژی
۷	۴/۱۳	۰/۰۰۰۰	-۷/۶۱	-۰/۹۳	وضعیت دسترسی به بازار
۶	۴/۱۴	۰/۰۰۰۰	-۹/۵۰	-۱/۰۲	دسترسی به خدمات توسعه کسب و کار
۴	۴/۴۱	۰/۰۰۰۰	-۱۰/۰۲	-۰/۹۴	تعامل و همکاری بین صنایع
آماره خی دو: ۴۳/۴۵		۰/۰۰۰۰	-۷/۷۵۱	-۰/۹۱۱	میانگین مؤلفه‌ها
سطح معنی‌داری: ۰/۰۰					

منبع: محاسبات تحقیق

آماره آزمون t مربوط به میانگین مؤلفه‌های مرتبط با شاخص قابلیت توسعه صنایع کوچک و متوسط و همچنین آماره آزمون t مربوط به تک تک این مؤلفه‌ها از نظر آماری معنی‌دار بوده و با توجه به منفی بودن انحراف میانگین (M.D: Mean Defferenc) این کارکردها از عدد آزمون (۳)، استنباط می‌شود که به طور کلی شاخص قابلیت توسعه صنایع کوچک و متوسط از وضعیت مطلوب برخوردار نیستند. لذا فرضیه اول تحقیق تأیید می‌شود. با توجه به معنی‌دار بودن آماره خی دو در آزمون فریدمن، استنباط می‌شود که تفاوت موجود بین میانگین رتبه‌ها (M.R: Mean Rank) ی مربوط به تک تک مؤلفه‌های مرتبط با شاخص قابلیت توسعه صنایع کوچک و متوسط معنی‌دار بوده و این مؤلفه‌ها از وضعیت مشابه و یکسانی برخوردار نیستند. نتایج نشان می‌دهد که بهترین وضعیت مربوط به زیرساخت‌های فیزیکی و بدترین وضعیت مربوط به مؤلفه فناوری و تکنولوژی صنایع کوچک و متوسط است.

نتیجه آزمون فرضیه دوم مبنی بر اینکه شاخص عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط تفاوت معنی‌داری با وضعیت مطلوب دارد، در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول-۲. یافته‌های مرتبط با آزمون فرضیه دوم

آزمون فریدمن		آزمون تک نمونه‌ای			شاخص عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط
اولویت	M.R	Sig.	t	M.D	
۳	۲/۶۵	-۰/۸۹۷	-۹/۹۱۸	-۰/۸۹۷	توان رقابت پذیری صنایع کوچک
۴	۲/۵۹	-۰/۹۱۰	-۱۰/۱۴۳	-۰/۹۱۰	توان صادراتی صنایع کوچک
۵	۲/۵۱	-۰/۹۳۶	-۱۰/۶۱۶	-۰/۹۳۶	توان تولیدی صنایع کوچک
۱	۴/۰۳	-۰/۲۹۸	-۳/۶۴۶	-۰/۲۹۸	اشتغال صنایع کوچک
۲	۳/۲۲	-۰/۶۳۴	-۷/۹۴۳	-۰/۶۳۴	سرمایه‌گذاری صنایع کوچک
آماره خی دو: ۶۶/۰۰۲ سطح معنی‌داری: ۰/۰۰		۰/۰۰۰۰	-۷/۷۵۱	-۰/۹۱۱	میانگین مؤلفه‌ها

منبع: محاسبات تحقیق



آماره آزمون t مربوط به میانگین مؤلفه‌های مرتبط با شاخص عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط و همچنین آماره آزمون t مربوط به تک‌تک این مؤلفه‌ها از نظر آماری معنی‌دار بوده و با توجه به منفی بودن انحراف میانگین (M.D: Mean Defferenc) این کارکردها از عدد آزمون (۳)، استنباط می‌شود که به طور کلی شاخص عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط از وضعیت مطلوب برخوردار نیستند. لذا فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌شود. با توجه به معنی‌دار بودن آماره خی دو در آزمون فریدمن، استنباط می‌شود که تفاوت موجود بین میانگین رتبه‌ها (M.R: Mean Rank) ی مربوط به تک‌تک مؤلفه‌های مرتبط با شاخص قابلیت توسعه صنایع کوچک و متوسط معنی‌دار بوده و این مؤلفه‌ها از وضعیت مشابه و یکسانی برخوردار نیستند. نتایج نشان می‌دهد که بدترین وضعیت مربوط به توان تولیدی صنایع کوچک و متوسط است. نتایج آزمون فرضیه سوم که ادعا می‌کند کارکردهای سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست، در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳- یافته‌های مرتبط با آزمون فرضیه سوم

آزمون فریدمن		آزمون t تک نمونه‌ای			کارکرد سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط
اولویت	M.R	Sig.	t	M.D	
۱	۲/۳۳	۰/۰۰۰۰	-۱۱/۱۰	-۰/۸۲۳	هدایت سازمان‌ها و نهادهای متولی
۲	۲/۳۵	۰/۰۰۰۰	-۱۲/۴۷	-۰/۸۱۸	یجاد هماهنگی لازم بین نهادها
۳	۲/۴۰	۰/۰۰۰۰	-۱۰/۸۰	-۰/۷۵۳	رزبایی و کنترل برنامه‌ها
آماره خی دو: ۱۲/۲۱۲		۰/۰۰۰۰	-۱۲/۰۷	۰/۷۱۹	میانگین کارکردها
سطح معنی‌داری: ۰/۰۰۷					

منبع: محاسبات تحقیق

آماره آزمون t مربوط به میانگین کارکرد سیاست‌های صنایع کوچک و متوسط و همچنین آماره آزمون t مربوط به تک‌تک کارکردها از نظر آماری معنی‌دار بوده و با توجه به منفی بودن انحراف میانگین (M.D: Mean Defferenc) این کارکردها از عدد آزمون (۳)، استنباط می‌شود که به طور کلی سیاست‌های موجود در حوزه



صنایع کوچک و متوسط از منظر کارکردهای مورد نظر از تناسب و قوت لازم برخوردار نیستند. لذا فرضیه اول تحقیق تأیید می‌شود. با توجه به معنی‌دار بودن آماره خی دو در آزمون فریدمن، استنباط می‌شود که تفاوت موجود بین میانگین رتبه‌ها (M.R: Mean Rank)ی مربوط به تک‌تک کارکردهای سیاست‌های صنایع کوچک و متوسط معنی‌دار بوده و این کارکردها از وضعیت مشابه و یکسانی برخوردار نیستند. نتایج نشان می‌دهد که بدترین وضعیت مربوط به کارکرد هدایت سازمان‌ها و نهادهای متولی است. ضعف در ایجاد هماهنگی، ارزیابی و کنترل نیز در رده‌های بعدی قرار دارند.

نتایج آزمون فرضیه چهارم مبنی بر اینکه کیفیت سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست، در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول-۴. یافته‌های مرتبط با آزمون فرضیه چهارم

آزمون فریدمن		آزمون تک نمونه‌ای			ویژگی‌های سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط
اولویت	M.R	Sig.	t	M.D	
۱	۳/۱۸	۰/۰۰۰۰	-۱۲/۰۳	-۰/۸۷۱	پایداری و انعطاف‌پذیری سیاست‌ها
۳	۳/۴۰	۰/۰۰۰۰	-۱۵/۳۲	-۰/۸۵۲	آینده‌نگری و واقع‌بینی سیاست‌ها
۴	۳/۹۰	۰/۰۰۰۰	-۷/۳۱۸	-۰/۶۰۰	هدف‌دار بودن سیاست‌ها
۲	۳/۲۸	۰/۰۰۰۰	-۱۱/۸۲	-۰/۸۲۸	گسترده‌گی سیاست‌ها
آماره خی دو: ۸/۳۴۹		۰/۰۰۰۰	-۱۶/۷۸	-۰/۷۶۴	میانگین ویژگی‌ها
سطح معنی‌داری: ۰/۱۳					

منبع: محاسبات تحقیق

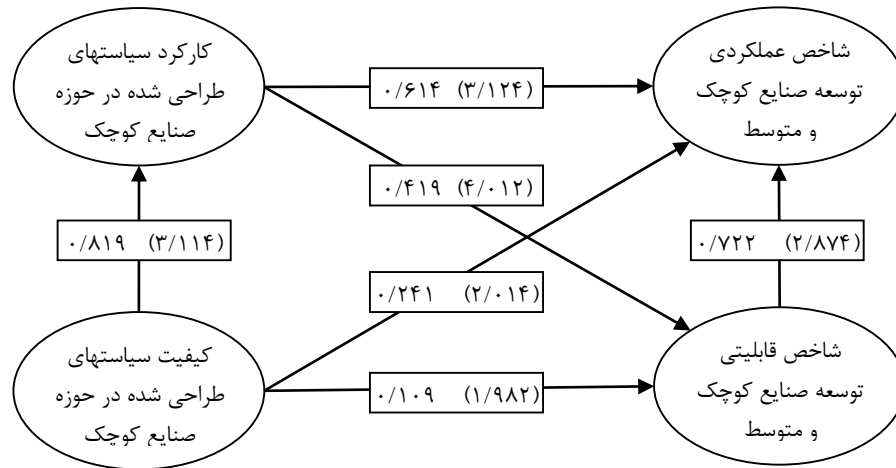


آماره آزمون t مربوط به میانگین کیفیت سیاست‌های صنایع کوچک و متوسط و همچنین آماره آزمون t مربوط به تک‌تک ویژگی‌ها از نظر آماری معنی‌دار بوده و با توجه به منفی بودن انحراف میانگین این ویژگی‌ها از عدد آزمون (۳)، استنباط می‌شود که به طور کلی سیاست‌های موجود در حوزه صنایع کوچک و متوسط از منظر ویژگی‌های مورد نظر از تناسب و قوت لازم برخوردار نیستند. لذا فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌شود. همچنین با توجه به معنی‌دار نبودن آماره χ^2 دو در آزمون فریدمن، استنباط می‌شود که تفاوت موجود بین میانگین رتبه‌های مربوط به تناسب ویژگی‌های سیاست‌های صنایع کوچک و متوسط معنی‌دار نبوده و این تفاوت بین این ویژگی‌ها از نظر آماری معنی‌دار نیست.

به منظور آزمون فرضیات پنجم تا دهم با استفاده از الگوریتم حداقل مربعات جزئی و همچنین بوتسترپینگ با زیر نمونه ۵۰۰، تأثیر متغیرهای کیفیت و کارکرد سیاست‌ها بر شاخص‌های قابلیت و عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط برآورد و نتایج آن در قالب شکل (۲) ارائه شده است.



شکل-۲. ضرایب برآورد شده مدل و آماره‌های t مربوطه



لازم به ذکر است که اعداد خارج از پرانتز بر روی هر مسیر نشان‌دهنده ضریب مسیر و اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده آماره t متناسب با ضرایب است. فرضیه دهم: بین شاخص قابلیت و شاخص عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به اینکه ضریب مسیر ترسیم‌شده از طرف سازه کیفیت سیاست‌ها به سمت سازه کارکرد سیاست‌ها 0/819 و آماره t آن 3/114 برآورد شده است، بین کیفیت و کارکرد سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد. لذا فرضیه پنجم تأیید می‌شود. ضریب مسیر ترسیم‌شده از طرف سازه کارکرد سیاست‌ها به سمت سازه شاخص قابلیت توسعه صنایع کوچک و متوسط 0/419 و آماره t آن 4/021 برآورد شده است، لذا بین کارکرد سیاست‌ها و شاخص قابلیت توسعه صنایع کوچک و متوسط از نظر آماری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد که این امر حاکی از تأیید فرضیه ششم است. ضریب مسیر ترسیم‌شده از طرف سازه کارکرد سیاست‌ها به سمت سازه شاخص عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط 0/614 و آماره t آن 3/124 برآورد شده است. این امر نشان می‌دهد که بین کارکرد سیاست‌ها و شاخص عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط از نظر آماری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و از این رو فرضیه هفتم تأیید می‌گردد. ضریب مسیر ترسیم‌شده از طرف سازه کیفیت سیاست‌ها به سمت سازه شاخص عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط 0/241 و آماره t آن 2/014 برآورد شده است، لذا بین کیفیت سیاست‌ها و شاخص عملکرد توسعه صنایع کوچک و متوسط از نظر آماری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد که این امر



حاکمی از تأیید فرضیه هشتم است. ضریب مسیر ترسیم شده از طرف سازه کیفیت سیاست‌ها به سمت سازه شاخص قابلیت‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط ۰/۱۰۹ و آماره t آن ۱/۹۸۲ برآورد شده است، لذا بین کیفیت سیاست‌ها و شاخص قابلیت‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط از نظر آماری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بنابراین فرضیه نهم تأیید می‌گردد. ضریب مسیر ترسیم شده از طرف سازه شاخص قابلیت‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط ۰/۷۲۲ و آماره t آن ۲/۸۷۴ برآورد شده است، لذا بین شاخص قابلیت‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط از نظر آماری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بنابراین فرضیه دهم تأیید می‌گردد.

۶. نتیجه‌گیری

تحلیل و آزمون وضعیت شاخص‌های قابلیت‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط در ایران و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن‌ها حاکمی از نامطلوب بودن وضعیت این شاخص‌هاست. بررسی وضعیت مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده شاخص قابلیت‌های توسعه صنایع نشان‌دهنده وضعیت ضعیف قوانین و مقررات مرتبط با صنایع کوچک و متوسط، ضعف فضای کارآفرینی، ضعف در تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط، ضعف در وضعیت تکنولوژی، ضعف در دسترسی به بازار، ضعف در دسترسی به خدمات توسعه کسب‌وکار و ضعف در تعامل و همکاری بین این صنایع است. این نقاط ضعف توانمندی صنایع کوچک و متوسط را برای توسعه حدود ساخته و نتیجه این امر خود را در ضعف شاخص عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط و در مواردی چون ضعف تولید، صادرات، رقابت‌پذیری و سرمایه‌گذاری نشان داده است. همچنین بررسی‌های به عمل آمده در این مطالعه حاکمی از آن است که سیاست‌های طراحی شده برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط در کشور، از منظر ویژگی‌ها و معیارهایی چون پایداری و انعطاف‌پذیری، آینده‌نگری، واقع‌بینی، هدف‌دار بودن و گستردگی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. این امر باعث شده است که کارکردها و نقش‌های اصلی این سیاست‌ها (راهنمای عمل بودن، هماهنگ‌کنندگی، تأمین منافع عمومی، و ارزیابی و کنترل برنامه‌ها) به نحو مناسبی محقق نگردد.

یافته‌های حاصل از بررسی روابط بین متغیرهای تحقیق در چارچوب مدل‌سازی معادلات ساختاری حکایت از آن دارد که بین کیفیت سیاست‌های طراحی شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط از یک طرف و شاخص‌های قابلیت‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. لذا استنباط می‌شود که یکی از دلایل اصلی ضعف شاخص‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط نامطلوب بودن و ضعف کیفیت سیاست‌های طراحی شده در این حوزه است. به عبارت دیگر از آنجا که سیاست‌های طراحی شده در این حوزه از آینده‌نگری، انعطاف‌پذیری، جامعیت و گستره لازم برخوردار نبوده و در عین حال چندان هدف‌دار نبوده و بر اساس نیازهای صنایع کوچک و متوسط طراحی و تدوین نشده‌اند، نتوانسته‌اند آن‌گونه که باید زمینه رشد و توسعه صنایع کوچک و متوسط را فراهم آورند.



همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق بین کارکرد سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط از یک طرف و شاخص‌های قابلیت‌ی و عملکردی توسعه صنایع کوچک و متوسط نیز رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بنابراین یکی دیگر از دلایل ضعف شاخص‌های توسعه صنایع کوچک و متوسط، کارکرد نامناسب سیاست‌های طراحی‌شده در این حوزه است. در واقع از آنجا که سیاست‌های طراحی‌شده در حوزه صنایع کوچک و متوسط از توان و قابلیت لازم در هدایت مؤثر و هماهنگ‌سازی سازمان‌های متولی این صنایع برخوردار نیستند، در بسیاری از موارد منجر به بروز ناهماهنگی و موازی کاری و انجام فعالیت‌های ضد و نقیض در جهت حمایت از صنایع کوچک و متوسط شده و این امر مسیر توسعه این صنایع را ناهموار ساخته است.



منابع

- امین بیدختی، علی‌اکبر و مجتبی زرگر. (۱۳۹۰). بررسی موانع موجود در توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) و ارائه چارچوب حمایت از این بنگاه‌ها. مجله کار و جامعه، شماره ۱۳۸.
- سپهردوست، حمید و نسیم کامران. (۱۳۹۲). ارزیابی بهره‌وری و تحلیل حساسیت عوامل موثر بر کارایی صنایع کوچک. پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۱۳، شماره ۱: ۱۷۴-۱۵۵.
- سلطانی، پدram؛ بیتا شایگانی و سید محمود ورودی. (۱۳۹۲). بررسی تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران با عنایت به تجارب سایر کشورها. بیست و سومین همایش سیاست‌های پولی و ارزی ششم.
- شوماخر. ای. اف. (۱۳۷۲). کوچک زیباست: اقتصاد با ابعاد انسانی، مترجم علی رامین. تهران: انتشارات سروش.
- صلواتی سرچشمه، بهرام؛ معصومه مداح و احسان یزدانی راد. (۱۳۸۶). چارچوب سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای حمایت از ایجاد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، ۳(۱۲): ۴۹-۳۹.
- علیرضایی، ابو تراب و روح اله تولائی. (۱۳۸۷). بررسی نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط مقیاس در توسعه فعالیت‌های اقتصادی کشور. همایش ملی توسعه فعالیت‌های اقتصادی، دانشگاه پیام نور، تهران. لامعی، بهزاد. (۱۳۸۱). موانع قانونی رشد کارآفرینی در صنایع کوچک ایران. مجله کار و جامعه، شماره ۴۵، صفحات ۳۲-۲۶.
- ناطق، محمد؛ محترم قلاتی، رحیم. (۱۳۸۶). ضرورت خوشه‌سازی بنگاه‌های کوچک و متوسط. ماهنامه تدبیر، سال هفدهم، شماره ۱۷۳.
- نوتاش، محمدرضا و علی عقبی طلب. (۱۳۸۶). عوامل کلیدی انتشار تکنولوژی در صنایع کوچک و متوسط ایران، فصلنامه توسعه تکنولوژی، سال ۵، شماره ۱۱.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۴). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. تهران: انتشارات سمت.
- APO, (2007). **Entrepreneurship development for competitive small and medium enterprises: Report of the APO survey on entrepreneur development for competitive SMEs**". Tokyo, Asian Productivity Organization.
- Claire, N. , René ,W.(2010). **innovating SMEs and regions: the need for policy intelligence and interactive policies"** *journal of Technology Analysis &Strategic Management* ,Vol. 14, pp. 201-215
- Dutta, K., Abe, M. (2014), **A New Policy Framework for Myanmar's SME Development**, *Journal of Asia-Pacific Research and Training Network on Trade*", No.142.



ESCAP(Economic and Social Commission for Asia and the Pacific), 2009. **“Globalization of production and the competitiveness of small and medium-sized enterprises in Asia and the Pacific: Trends and prospects”**, *Studies in Trade and Investment, No. 65*. Bangkok, United Nations.

Gibson, T. and Vaart, H. J. van der. (2008), **“ Defining SMEs: A Less Imperfect Way of Defining Small and Medium Enterprises in Developing Countries”**, Brookings Global Economy and Development.

Global Entrepreneurship Monitor (GEM),(2007). *Global Report on High-Growth Entrepreneurship*, Global Entrepreneurship Research Association, London. Available at www.gemcon.sortium.org/docs/269/gem-2007-report-on-highgrowth-entrepreneurship

Hall, Richard H. **Organizations: Structures, Processes and Outcomes**.published by routledge.

Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. (2009). **The use of partial least squares path modeling in international marketing**. *Advances in International Marketing, 20*, 277-320.

Hill, H.(2001), **Small And Medium Enterprises in Indonesia: Old Policy Challenges for a New Administration'**, *Journal of Asian Survey*,Vol.41, No2, pp.248-270.

Howlett, M , Ramesh, M., and Perl, A.,(1995). **Studying Public Policy**. Oxford University Press.

Mike, W., Paul ,W. & Deniz, U. (2007), **Internationalization of Small and Medium Sized Enterprises (SMEs) and International Entrepreneurship: A Critique and Policy Implications**, *Regional Studies*, Vol. 41.7, pp. 1013-1029.

OECD (2004), **Small and Medium Sized Enterprise in Turkey Issues and Policies”**

OECD(2004), **Effective Policies for Small Business- aguide for the Policy review process And strategic plans for micro, small and medium enterprise development**. www.cepor.hr.

Policy Guidebook for SME Development in Asia and the Pacific , 2012, United Nations publication

Policy Guidebook for SME Development in Asia and the Pacific (2012), United Nations publication.

Rogene A. Buchholz and Sandra B. Rosenthan. **Stakeholder theory and Public Policy; How Government Matters**, *Jornal of Business Ethics*, 51, 2004, 143-153.

Secondo, Rolfo ,Giuseppe ,Calabrese (2010), **“Traditional SMEs and Innovation: The Role of The Industrial Policy in Italy”** *Entrepreneurship & Regional Development: An International Journal*,Vol.15, pp.253-271.

Small and Medium Enterprise Development Authority of Pakistan (2002), **“ Creating a Conducive Policy Environment for Micro, Small and Medium-Sized Enterprises in Pakistan”**, Series on Conducive Policy Environment for Small Enterprise Employment



Small and Medium Enterprises Development Organization (KOSGEB)(2012), "**Enhancing the Competitiveness OF SMEs in Turkey**" Country Report, to be submitted to the 28th Session of the COMCEC.

United Nations Industrial Development Organization,(2003), **Strategy Document to Enhance the Contribution of an Efficient and Competitive Small and Medium-Sized Enterprise Sector to Industrial and Economic Development in the Islamic Republic of Iran.**

Wright, Mike, Westhead , Paul & Ucbasaran, Deniz (2007), "**Internationalization of Small and Medium Sized Enterprises (SMEs) and International Entrepreneurship: A Critique and Policy Implications**", *Regional Studies*, Vol. 41.7, pp. 1013-1029.



Policies Inefficiency and its Effects on Iran Small and Medium Industries Development

Hamid Azizmohammad Lo, Abolqasem Mahdavi

Received: 18 January 2016

Accepted: 08 December 2016

In spite of this fact that small and medium industries sector play important role in developed and developing countries and has a significant role in economic growth, employment and export, unfortunately these industries is not in a proper status in Iran. The deficiency of policies designed to support small and medium industries, is one of the main impediment of small and medium industries development. The aim of this paper is to study the effect of Inefficiency in Policies on Iran's small and medium industries development surveying of SME experts with structural equation modeling. According to the findings, there are statistically positive relationships between the quality and functioning of designed policies to support SMEs and the capability and performance indexes of small and medium industries development. Therefore, it is inferred that the Inefficiency in Policies has negatively affects the situation of small and medium industries in Iran.

JEL: L52, O25.

Keywords: *Policies deficity, capability index, performance index, Small and Medium Industries development, Partial Least Square Method.*